

بررسی حقوق دانش‌آموزان در استفاده از موبایل

از منظر نظریات آموزشی و اجتماعی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۱۰/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۰۳/۱۸)

محمد امین ناصری

چکیده

جامعه‌پذیری مدرسه‌ای یکی از مولفه‌های مهم و اهداف اصلی آموزش و پرورش در هر جامعه‌ای می‌باشد که حلقه ارتباطی فرهنگ گذشته جامعه به نسل جدید و عامل تداوم، تعمیق و تعالی عناصر فرهنگی جامعه به این نسل می‌باشد. تحقیقات متعدد نشان دهنده آن است که عوامل مختلفی در اجتماعی نمودن یا جامعه‌پذیری افراد موثرند از جمله میتوابه خانواده، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی اشاره نمود. پیشرفتهای تکنولوژیکی در عرصه ارتباطات و اطلاعات با جاذبه‌های خاص خود توانسته است فرهنگهای جوامع و هویت‌های افراد را به چالش بکشد. یکی از این عرصه‌های فرهنگی جامعه‌پذیری مدرسه‌ای و یکی از مهم‌ترین این تکنولوژیها موبایل است که حضوری ناخوانده ولی فعال در بین نوجوانان و جوانان را به خود اختصاص داده است. این پژوهش به منظور بررسی رابطه الگوی استفاده از موبایل با جامعه‌پذیری مدرسه‌ای و با روش پیمایش انجام گرفته است. جمعیت نمونه پژوهش ۲۸۰ نفر از دانش‌آموزان سه سال آخر دوره دبیرستان در شهرستان کوهدشت بوده که براساس فرمول کوکران انتخاب شدند، اطلاعات و داده‌های آن از طریق پرسشنامه گردآوری شده و روش نمونه‌گیری به صورت دو مرحله‌ای تصادفی و سپس نمونه‌گیری سهمی‌های متناسب انجام گرفت در این مطالعه برای نشان داده رابطه الگوی استفاده از موبایل و میزان جامعه‌پذیری مدرسه‌ای از نظریات متعددی از جمله نظریات گسر، کاستلز و اینگلههارت و... استفاده شده است. با توجه به نظریات گسر و کاستلز (از معروفترین محققان عرصه مطالعات مربوط به اثرات فرهنگی اجتماعی تکنولوژی‌های نوین ارتباطی بویژه موبایل) فرض اصلی تحقیق عبارت از این بود که "ب‌ی الگوی استفاده از موبایل و جامعه‌پذیری مدرسه‌ای در

دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. یافته‌های پژوهش نشانگر آنست که در مجموع بین الگوی استفاده از موبایل در قالب ابعادی همچون: شدت و موی‌زان استفاده، نوع نگرش و نحوه استفاده از موبایل (ابزاری یا بی‌انگرس)، موقعی‌تهای استفاده (مناسب یا نامناسب) و سابقه استفاده از موبایل با جامعه پذیری مدرسه‌ای در قالب مولفه‌هایی چون مهارتهای ارتباطی، جرئت‌ورزی، مسئولیت‌پذیری، فهم و عمل به ارزشها، مقابله‌ای و فراغت‌ی رابطه معناداری وجود دارد نتایج بدست آمده نشان دهنده اثبات فرضیه فوق می‌باشد یعنی دانش‌آموزانی که استفاده زیادی از موبایل می‌کنند یا نوع نگرش آنها به موبایل نگرشی بی‌انگرس است و یا از موبایل در موقعی‌تهای نامناسب (زمانها و مکانهای غی‌ر معمول) استفاده می‌کنند و سابقه بیشتری در استفاده از موبایل دارند از میزان و سطح جامعه‌پذیری کمتری برخوردارند. نکته قابل توجه در این راستا این است که نمره جامعه‌پذیری در دانش‌آموزانی بالاست که یا کلا فاقد موبایل شخصی هستند و یا از موبایل استفاده کم‌تر و ابزاری‌تری می‌نمایند.

واژگان کلیدی: جامعه‌پذیری، جامعه‌پذیری مدرسه‌ای، الگوی کاربری موبایل، آموزش و پرورش

مقدمه

جهان وارد هزاره سوم گشته، عصری که فناوریهای نوین ارتباطی و اطلاعاتی توانسته اند دهکده جهانی را به ارمغان آورند. اکنون جامعه‌شناسی نوپای دوران صنعتی پیش از پیش با ارتباطات پیوند خورده، و به طور قطع و یقین جامعه‌شناسی و فرهنگ پیشرو در آینده‌ای نه چندان دور با جامعه‌ای شبکه‌ای. اطلاعاتی درگیر خواهد بود که لازمه آن تغییر پارادایم تحلیلی کنونی به تحلیل شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر فناوری اطلاعات و بازنگری در روشها و متد انتقال عناصر فرهنگی خواهد بود. محیط اجتماعی در عصر جهانی شده حاضر یک محیط رسانه‌ای است لذا متغی‌رهای مستقل جدی‌دی‌پا به عرصه فرهنگ جوامع گذاشته اند که در پژوهشهای پی‌ش‌ین لحاظ نگردیده اند. فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی

روش کارکرد ما را دگرگون کرده و امور اقتصادی و اجتماعی و حتی نحوه تفکر ما را تغییر داده‌اند. تجارت، بانکداری، اوقات فراغت و سرگرمی، خدمات، خط تولید، آموزش، و بهداشت در عصر حاضر نسبت به ده سال قبل کاملاً متفاوت شده و مردم این تغییر را که فنآوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی موجب آن شده‌اند، به تدریج تشخیص می‌دهند. ترکیبی از رایانه‌ها، ماهواره‌ها، اینترنت، تلفن همراه و سایر وسایل الکترونیکی، که ابزار اطلاعات و ارتباطات مدیریتی‌اند، فنآوری اطلاعاتی و ارتباطی را تشکیلی می‌دهند که موجب عمل و عکس‌العمل مؤثرتر و کاراتر امور می‌شوند و باعث بروز مشاغل جدید، صنایع نوین و خلاقیت‌های پی‌درپی در کشورهای توسعه‌یافته شده، و نیزی تغییراتی در روش زندگی به وجود آورده‌اند (استور، ۱۳۷۵: ۱۰). اما از سوی دیگر، با اذعان به کاربردهای فراوانی که فنآوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی به ارمغان می‌آورد، پیدایی این فنآوری‌ها، بحث و جدل‌های متعددی را بر سر آثار فردی و اجتماعی، کوتاه‌مدت و بلندمدت، سطحی و زودگذر و یا عمقی و دیرپای، و کلاً آثار مثبت و منفی آنها به راه انداخته است. در حالی که به نظر می‌رسد بعضی، برغم مشاهده سرعت سرسام‌آور گسترش دسترسی به شبکه‌های کامپیوتری، و اذعان به توان حیرت‌آور رسانه‌های ارتباطی جدید، رسانه‌ها را واجد آثاری تصنعی و زودگذر به حساب می‌آورند که اصولاً هیچ مطالب اساسی درباره آنها نمی‌توان گفت (تامپسون، ۱۳۷۹: ۱۰).

آموزش و پرورش نیز به عنوان یکی از نهادهای اصلی جامعه نمی‌تواند فارغ از این عرصه نو بدون در نظر گرفتن آثار و تبعات پیشرفتهای تکنولوژیکی نوین به فعالیت سنتی خویش یعنی پرورش و انتقال عناصر فرهنگی به نسل جدید ادامه حیات دهد. زیرا که فناوریهای نوین ارتباطی با فراهم کردن امکان پیدایش جامعه‌ای شبکه‌ای، افراد و جوامع را در قالب‌های جدید هویت‌سازی نموده‌اند. (کاستلز: ۱۳۸۰، ۲۰۱) این امر نه تنها بر ارتباط و تعامل انسانها با یکدیگر موثر افتاده بلکه ساختارها و نهادها را نیز با چالش روبرو ساخته است. در این میان جامعه پذیری مدرسه‌ای نیز به عنوان یکی از مولفه‌ها و عملکردهای رسمی در مدارس عصری بسیار مهم در هویت‌بخشی، استمرار و تعمیق عناصر فرهنگی و ارزشها و هنجارهای رسمی به

دانش آموزان می باشد. ورود ناخوانده ولی گری زناپذیری تکنولوژی های نوین ارتباطی از جمله موبایل به عرصه فرهنگ و آموزش و پرورش علی رغم استفاده های تکنیکی و... از آنها چالشهایی را پیش روی کارگزاران عرصه انتقال فرهنگی و متصدیان امر جامعه پذیری در مدارس گذاشته که حل این مسئله مستلزم پژوهشهایی تجربی و کارشناسانه است. مطالعه حاضر با دو سؤال اصلی آغاز می شود: ۱) تلفن همراه در بی دانش آموزان متوسطه دختر و پسر چه کاربردهایی دارد (۲) آیا این الگوی استفاده از موبایل با جامعه پذیری مدرسه ای ارتباط معنادار دارد؟ یا خیر

≠ بیان مسئله

حضور فزاینده و گریزناپذیر تکنولوژیهای نوین ارتباطی و اطلاعاتی در زندگی فردی و جمعی عصر ما لزوم توجه ویژه و محققانه به آثار و تبعات مثبت و منفی آنان را نه تنها ضروری بلکه پر اهمیت نموده است. تا جایی که امروزه فنآوری اطلاعات و ارتباطات همراه با فنآوری زیستی و فنآوری نانو سه ضلع مثلثی را تشکیل می دهند که مسیر و جهت علوم و فنون را چند دهه آینده را تعیین می کنند. (معمد نژاد: ۱۳۸۴) در این بین فنآوریهای نوین ارتباطی و اطلاعاتی با فراهم کردن امکان پیدایش «جامعه ای شبکه ای» که افراد و جوامع را در قالبهای تازه هویت های تازه بخشیده (کاستلز، ۱۳۸۷: ص ۲۰) نه تنها قواعد و قوانین سنتی حاکم بر ارتباط و تعامل میان انسانها بلکه نوع نگرش یا به قول هابرماس زیست جهان ما را نسبت به خود و جهان تغییر داده است. (اولسون: ۱۳۷۷: ۵) یکی از مهم ترین این ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی که امروزه کاربردهای روزافزونی در میان خیل گسترده جامعه پیدا کرده تلفن همراه (موبایل) است که به زعم پورو جامعه شناس معاصر بر خلاف سایر تکنولوژیها توانسته است از سوی اقشار و طبقات مختلف سنی و جنسیتی و اجتماعی تقریباً به یک اندازه مورد استقبال قرار گیرد. (موسوی: ۸۹: ۱۵) جامعه ایرانی نیز از این قاعده مستثنا نبوده تا جایی که امروزه سخن از وجود حداقل ۳۵ میلیون خط موبایل در کشور بر سر زبانهاست. (نشریه تخصصی ارتباطات، زمستان ۸۷) اگر ویژگیهایی از قبیل: «تعاملی بودن، جمع زدایی، شکست مفاهیم زمان و مکان، تمرکز زدایی، ظرفیت بالا و انعطاف پذیری را برای فنآوریهای نوین ارتباطی و اطلاعاتی در نظر بگیریم

(آقاجانی، نوشین، ۱۳۸۳:۱۵) متوجه خواهیم شد که این رسانه‌ها با فرهنگ جامعه در ارتباطی تنگاتنگ قرار دارند و در این بین موبایل با داشتن یکسری ویژگیهای جذاب به راحتی توانسته است جایگاهی ویژه‌ای را به خود اختصاص داده و بصورت یک کالای فرهنگی ظاهر شود. ورود موبایل به عرصه اجتماعات بشری چالشهایی جدی را در عرصه‌های مختلف فرا هم آورده که لزوم توجه پژوهشی را در سرلوحه برنامه‌های فرهنگی طلب می‌کند. یکی از این حوزه‌های چالش برانگیز آموزش و پرورش و کارکردهای آن از یک طرف و ورود ابزاری چند رسانه‌ای به نام موبایل از طرف دیگر می‌باشد. اگر جامعه پذیری را کارکردی مهم برای جامعه بدانیم که طی آن هر فرد هنجارها، ارزشها و الگوهای رفتاری را که جامعه‌ی وی بر آنها تاکید دارد بصورت جزئی از وجود خود در می‌آورد. (بلیک رید و هارلدسون: ۱۳۸۷:۸۶) و با در نظر گرفتن اینکه جامعه پذیری فرایندی است که دنبال آموزشهای عام بدست می‌آید و موجب حلول قوانین رفتاری هر جامعه و همه انتظارات فرهنگی آن در کل شخصیت افراد می‌گردد، (دفلور، ملوین و دنیس آورت دی: ۱۳۸۳:۶۳۷) بدون تردید می‌بایست بر این نکته اذعان کامل داشت که آموزش و پرورش یکی از نهادهای اصلی جامعه است که کارکرد آشکار و اصلی آن جامعه پذیری دانش‌آموزان است. این مقوله تا جایی اهمیت دارد که عده‌ای از محققان، آموزش و پرورش را در معنای اعم آن جامعه پذیری دانش‌آموزان قلمداد نموده اند. (علاقه بند: ۱۳۷۸:۵۶) حال این واقعیت مطرح می‌شود که در این عرصه تخصصی و ویژه (مدرسه) مهمانی ناخوانده به نام موبایل وارد شده که علیرغم ممنوعیتها و محدودیتهای قانونی و عرفی که پیرامون استفاده از آن در محیطهای آموزشی وضع گردیده ولی کماکان و به طور گریزناپذیر این محدودیتها را در نوردیده و روز به روز جایگاه ویژه‌ای را در دست و دل دانش‌آموزان به خود اختصاص داده است و آنچه در این رابطه تامل بر انگیز است آن است که ورود و نفوذ این تکنولوژی به عنوان یک ابزار چند رسانه‌ای (مولتی مدیا) که از جذابیت خاصی نیز برخوردار است به طور قطع و یقین چالشهایی را در مسیر جامعه پذیری دانش‌آموزان بوجود آورده که غفلت از آن می‌تواند پیامدهای اجتناب ناپذیری را در آینده نزدیک به همراه داشته باشد. بر این اساس هدف عمده پژوهش حاضر شناسایی این نکته

مهم است که موبایل چه تاثیری بر روند جامعه پذیری مدرسه‌ای در بین دانش‌آموزان دارد به عبارتی آیا موبایل در جهت هماهنگی با جامعه‌پذیری مدرسه‌ای عمل می‌کند یا خیر؟ لذا با توجه به مباحث مطرح شده در بالا سؤال اصلی این پژوهش اینگونه مطرح می‌شود که «آیا موبایل در جهت تقویت کارکرد اصلی مدارس یعنی «جامعه‌پذیری دانش‌آموزان» عمل می‌کند یا خیر؟»

≠ اهمیت و ضرورت تحقیق

اینگلهارت پس از انجام تحقیقات تجربی و طولی خود پیرامون تحولات فرهنگی جوامع مختلف بر این نکته اذعان داشته که «دگرگونی مهم فرهنگی زمانی رخ می‌دهد که تغییر جنبه‌های اساسی فرهنگ منجر به بروز شکاف نسلی گردد زیرا این دگرگونی در میان گروه‌های جوانتر با سهولت بیشتری انجام می‌گردد.» (اینگلهارت، ص ۲۰) حال اگر این سخن اینگلهارت را با این گزاره که آن هم حاصل پژوهش‌های متعددی است، یعنی «گذار از یک مرحله تمدنی مثلا صنعتی به مرحله بعد (فراصنعتی) در گرو پیشرفت و توجه به تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی است.» جمع نماییم، لزوم توجه بیشتر به آثار و تبعات فرهنگی اجتماعی تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر ما بیشتر مبرهن خواهد شد. اذعان به کاربردهای فراوانیکه فن آوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی برای جامعه به ارمغان آورده اند نباید ما را از آثار و تبعات فردی، اجتماعی، کوتاه مدت و دراز مدت، سطحی و یاعمقی آنان غافل نماید. آموزش و پرورش در خط مقدم تعامل یا تقابل با آثار فردی و اجتماعی تکنولوژی ارتباطی اطلاعاتی نوین (موبایل) قرار دارد. چند سالی است که پیوسته در قالب بخشنامه یا آیین نامه‌های آموزشی دستوراتی مبنی بر ممنوعیت استفاده از موبایل توسط دانش‌آموزان در مدرسه صادر می‌گردد ولی واقعیت این است که طبق تحقیقات انجام گرفته سن استفاده از آن حتی به سن دانش‌آموزان مدارس ابتدایی نیز انتقال یافته است. (مجله تربیت: زمستان ۸۸) حال اگر بپذیریم که اغلب نظریات اخیر در مورد تاثیرات فرهنگی رسانه‌ها بر این باورند که رسانه‌ها با عرضه کردن نقش‌ها و رفتارهایی که با ثبات اجتماعی در ارتباطند به عنوان عاملی مهم هم در جامعه‌پذیری رسمی و هم غیر رسمی ایفای نقش می‌کنند و از طرف دیگر مردم زمان معتابهی

از وقت خویش را صرف آنها می‌کنند پس برآستی امروزه اینان در صف اول عوامل جامعه پذیر کننده قرار دارند. (گیل و ادمز: ۹۸) پس توجه و لزوم بررسی پیرامون موبایل به عنوان یک ابزار چند رسانه‌ای و جذاب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به عنوان نمونه بررسی تاثیرات متقابل موبایل بر کنشهای متقابل و رفتارها و الگوهای مصرف انسانها در جهان تا جایی اهمیت یافته که اخیراً برخی محققان اصطلاح موسیولوژی که ترکیبی از کلمه موبایل و سوسیولوژی بوده و معرف حوزه جدیدی است که به مطالعه رفتارهای اجتماعی فرهنگی در دنیای موبایل می‌پردازد را وارد حوزه مطالعات جامعه شناسی نموده اند. (موسوی: ۱۲۳: ۸۹) نباید فراموش کرد که مطالعه و پژوهش پیرامون ابعاد اجتماعی فرهنگی موبایل بویژه برای گسترش حوزه مطالعات جامعه شناختی و گسترش عرصه دانش اجتماعی در این حوزه اهمیت بنیادی دارد زیرا که میزان و عمق مطالعات در این خصوص حداقل در کشور ما (ایران) بسیار اندک و سطحی می‌باشند.

از سوی دیگر شناخت درستی از نوع کاربری و میزان استقبال و جایگاه و نوع نگرش خاصی که نوجوانان و جوانان ما نسبت به هر نوع تکنولوژی نوینی از جمله موبایل دارند بدست نیاید امکان برنامه ریزی منطقی و متقن در جهت جلوگیری از تبعات و آثار منفی اینگونه تکنولوژیها امکان پذیر نخواهد بود. علاوه بر این، هم اکنون که موبایل با گسترش و سرعتی غیر قابل کنترل توانسته است هوش و حواس دانش‌آموزان را به تسخیر خود درآورد به طوری که بیشترین میزان اوقات فراغت و حتی غیر فراغت (ساعات حضور در کلاس) آنانرا به خود اختصاص می‌دهد. یکی از دغدغه‌های اصلی متولیان امر جامعه پذیری دانش‌آموزان (اعم از معلمان، مدیران و مربیان و اولیا و کادر اداری) آنست که آیا این وسیله ارتباطی به آنچه که آموزش و پرورش دنبال آن است - جامعه پذیری - کمک می‌کند یا خیر و این دغدغه و نگرانی که یک دلمشغولی جدی است ضرورت بررسی مسئله را دو چندان می‌کند.

≠ اهداف و سوالات مطروحه پژوهش

ما در انجام این مقاله علمی به دنبال رسیدن به اهداف زیر خواهیم بود:

۱- شناسایی الگوی استفاده از موبایل (اعم از نوع نگرش، میزان ونحوه استفاده) در بین

دانش آموزان مقطع متوسطه

۲- شناسایی رابطه و همبستگی احتمالی (اعم از معنادار یا غیرمعنادار) میان نحوه استفاده موبایل با میزان جامعه پذیری دانش آموزان در مدرسه همچنین سوالات تحقیق عبارتند از:

- نحوه استفاده از موبایل از منظر اجتماعی و حقوقی (میزان، نوع، زمان و مکان استفاده) در دانش آموزان دبیرستانی چگونه است؟

- میزان جامعه پذیری مدرسه‌ای در شاگردانی که از موبایل استفاده می‌کنند چقدر است؟
- میزان جامعه پذیری مدرسه‌ای در شاگردانی که از موبایل استفاده نمی‌کنند چقدر است؟
نهایتاً در خصوص فایده و کاربرد نتایج تحقیق می‌توان گفت برخی از فواید و کاربردهای نتایج این پژوهش را می‌توان در قالب موارد زیر بیان نمود:

- از آنجایی که گستره و عمق مطالعات مربوط به آثار و تبعات فرهنگی ابزارهای نوین اطلاعاتی و ارتباطی از جمله موبایل در کشور ما بسیار اندک و سطحی است لذا این پژوهش می‌تواند در سطح کلان گامی در جهت گسترش مطالعات در این حوزه مهم و تاثیر گذار اجتماعی - فرهنگی باشد.

- برطبق نتایج مطالعات گیل و آدامز رسانه‌ها با عرضه کردن نقش‌ها و رفتارهایی خاص بر جامعه پذیری رسمی و غیررسمی افراد موثرند و از آنجایی که نهاد آموزش و پرورش به عنوان یکی از متولیان اصلی جامعه پذیری (شارع پور، ۸۷) از مهم ترین عرصه‌های تقابل و تعامل با تکنولوژیهای نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی میباشد لذا نتایج این پژوهش می‌تواند نمایانگر وجود یا عدم وجود چالش در خصوص جامعه پذیری بین مدرسه به عنوان عرصه انتقال فرهنگی و موبایل به عنوان یک ابزار چند رسانه‌ای نوین باشد.

- برنامه ریزی در جهت مقابله با آثار و تبعات هر نوع تکنولوژی نوینی بایستی برخاسته از منابعی اطلاعاتی و پژوهشی باشد صرف ممنوعیت استفاده از یک ابزار نوین نمی‌تواند نقش کارسازی داشته باشد بنابراین نتایج این پژوهش می‌تواند هم در جهت کسب اطلاعات توصیفی از نحوه استفاده از موبایل در دانش آموزان را در اختیار برنامه ریزان قرار داده که با

استفاده از آن می‌توانند زمینه را برای استفاده درست از این ابزار به عنوان یک رسانه آموزشی و پرورشی کاربرد صحیح آن را القا و آموزش دهند تا موبایل به عنوان ابزاری در جهت و راستای اهداف آموزش و پرورش کار کند.

بخش اول: تعریف موبایل

کلمه‌ای لاتین با معانی متنوع از قبیل: یک شیء منقول و سهل‌الانتقال، انعطاف پذیر، سریع و چابک و دراصلاح ابزار یا رسانه‌ای ارتباطی اطلاعاتی است که بر خلاف سایر رسانه‌ها از پتانسیلهای متعددی از قبیل «همیشه در دسترس بودن، ارتباط در حرکت، چند رسانه‌ای بودن و... برخوردار است.» (موسوی: ۱۳۸۹ ص ۷) البته بدیهی است که در این تحقیق آنچه از موبایل مد نظر قرار گرفته تنوع کاربری آن است که در افراد وجود دارد نه خود موبایل به عنوان یک ابزار فنی تکنولوژیکی. به این معنا که نحوه استفاده از آن (ابزاری یا بیانگر) به همراه زمانها و مکانهای استفاده و همچنین میزان استفاده به عنوان متغیر مستقلی مد نظر قرار گرفته است که محقق بدنبال رابطه آنها با جامعه پذیری در مدرسه می‌باشد چرا که مدعیست موبایل به عنوان یک رسانه که از جذابیت خاصی در بین نسل جوان جوامع برخوردار است میتواند تاثیر بسزایی بر روند جامعه پذیری نسل جوان داشته و روند خود جامعه پذیری را در آنها تسریع و تسهیل نماید.

بند اول: تاریخچه موبایل

تحول در ارتباطات بشری تاکنون از مراحل گذشته و بنابه تعبیر برخی محققین ۲ انقلاب عمده راپشت سر گذاشته است: کنت بولدینگ برای اینکه نشان بدهد فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات چقدر و با چه شتابی همه عرصه‌های زندگی را دگرگون کرده تمثیل خوبی به کار برده است. او می‌گوید عمر انسان خردورز در زمی‌ن حدود ۵۰ هزار سال است، یعنی از زمانی که انسان توانست بر طبیعت مسلط شود و محیط خودش را تغییر دهد، که البته این ۵۰ هزار سال در برابر ۴ میلیون سال عمر تخمینی کره زمین، خیلی ناچیز است. وی این ۵۰ هزار سال را به تعداد نسل‌هایی که ممکن است در این مدت وجود داشته باشند، تبدیل کرده و می‌گوید اگر متوسط عمر هر نسلی را ۶۵ سال بگ‌یری‌م این مدت شامل ۸۰۰ نسل می‌شود.

از این ۸۰۰ نسل، یعنی از زمانی که انسان خردورز در زمی ن آمده تاکنون حدود ۶۵۰ نسل آن غارنشین بوده اند و تحول مهمی پی رامون خودشان به وجود نی اوردند، یعنی از مغزشان که ظرفیت تغییری محیط و انقلاب های علمی را داشته استفاده زیادی نکردند. اولین تحول بزرگی که رخ داده و امکان ثبت و تجربه را فراهم کرده اختراع خط و کتابت است. یعنی انسان با اختراع یک پدیده ارتباطی ۷۰ نسل پیش به این نقطه رسیده است. در این ۷۰ نسل بزرگترین شتاب با صنعت چاپ آغاز شده که متعلق به ۷ نسل پیش است. بولدینگ می گوید اکثریت قریب به اتفاق تغییری رات بزرگ زندگی انسان در این نسل آخر یعنی از ۶۵ سال پیش تاکنون رخ داده است. یعنی بی شتری ن دانشمندان طول تاریخ علم دانشمندان زنده هستند و این ی عنی شتاب گرفتن تحولات اجتماعی. اگر به این ۶۵ سال نگاه کنیم حدوداً ۴۰ سال است که استفاده از شبکه ها و تلفیق این شبکه ها با ماهواره های راه دور و وسایل ارتباط جمعی اتفاق افتاده، یعنی شکل گرفتن مثلث تله ماتیک که شامل ارتباطات از راه دور، ارتباطات کامپیوتری و ارتباطات جمعی است. به تعبیر دیگر همان رسانه های قدیمی نظیر رادیو، تلویزیون، روزنامه و... این ها تغییرات امروز زندگی یکایک ما را شکل داده اند و از اینجاست که نقش ارتباطات در زندگی یعنی دگرگون کردن زندگی و شتاب دادن به زمان، مکان و فضا، و این آغاز عصر جدید یا عصر اطلاعات است. بدین ترتیب ازروزی که بشر بنای زندگی اجتماعی خویش را نهاد به دنبال انتقال هرچه سریعتر پیام، فکر و نظر خویش به دیگران خصوصاً آنانی که از او دور بودند بود. اولین تجربه های انتقال سریع را می توان به دوندگانی اختصاص داد که پیغامهای فرمانروایان را رد و بدل میکردند. (انکارتا، ۲۰۰۵) ظهور چاپارهای داریوش اول و خشایار شاه که در شبانه روز ۱۶۰ کیلومتر راه را طی میکردند در ۲۵ قرن پیش در نوع خود تحولی شگرف در ارتباطات بود. (معمدی، ۷۶:۲۰) بدون در نظر گرفتن روشهای سنتی انتقال پیام از قبیل برپایی آتش و دود و نور و... سال ۱۸۴۳ را می توان نقطه عطف تاریخی برای زایش تکنولوژی از راه دور دانست، استاد هنر در آمریکا، ساموئل اف بی مورس با کمک آلفرد ویل و حمایت دولت ایالات متحده توانست یک خط تلگراف نمایشی بین واشنگتن دی سی و بالتیمور ماریلند بر پا کند که سنگ بنای تجاری شدن

این پدیده در ۲۴ می ۱۸۴۴ گذاشته شد و نخستین پیام از راه دور ارسال گردید. (عاملی، ۸۷، ۱۴)

الکساندر گراهام بل در ۱۸۷۶ با اختراع تلفن زمینه گسترش انتقال پیام شفاهی را فراهم نمود و محدودیتهای ارتباطی تلگراف را جبران نمود. بنابراین تلفن و تلگراف را می توان مبانی ظهور ابتدایی ارتباطات دانست که به قول ویلسون علامت‌ها را از یک نقطه به نقطه دیگر ارسال می کنند اما ابداع رادیو ارتباطات جمعی را به وجود آورد به نوعی که توانست علاوه بر انتقال پیام از یک نقطه به یک نقطه، نقاط متعدد را نیز در برگیرد. (ویلسون، ۱۹۹۵) ارسال امواج رادیویی در سال ۱۹۹۵ توسط گوگلیلمو مارکونی مخترع ایتالیایی، زمینه‌ای را فراهم نمود که بعدها در ۱۹۰۱ نخستین پیام با تلگراف بی سیم از انگلیس به کانادا و از فراز اقیانوس اطلس مخابره شد. (معمدی: ۷۶، ص ۴۹) این تحول را که منجر به ارسال صدا، موسیقی و... شد را می توان انقلاب اول در زمینه تکنولوژی‌های ارتباطی نامید. لذا دهه آغازین قرن بیستم (۱۳۰۰ ش به بعد) را می توان شروع خدمات تلفن رادیویی دانست تا جایی که اولین تلفن‌های قابل حمل که در ماشینهای پلیس آمریکا از آنها استفاده می شد و آنها را تلفنهای خودکار می نامیدند را پدر موبایل‌های امروزی می نامند. (قاضی زاده: ۸۴، ص ۲)

بند دوم: نسل‌های تلفن همراه

نسل اول: اولین سامانه تجاری مخابراتی و سلولی جهان در سال ۱۹۸۳ در آمریکا به نام ای. ام. پی. اس شروع به کار کرد این سامانه آنالوگ بود و در بیشتر مناطق جهان به کار رفت که از آن به عنوان نسل اول مخابرات سیار جهان یاد می شود. (عاملی ۲۳) ولی این نسل دارای محدودیتهای خاص خود بود که نیاز ویژه افزایش ظرفیت را با خود به همراه داشت.

نسل دوم: دیجیتال کردن، کد کردن کانال باعث کیفیت بخشی به خدمات تلفن همراه و افزایش ظرفیت بیشتر و هزینه کمتر کاربران آن شد. بهبود مسائلی از قبیل امنیت ارتباطی و ارائه‌ی خدماتی جدید از قبیل ارسال پیام کوتاه و تغییر مسیر تماس به شماره تلفنی دیگر (دایورت) تحولاتی بود که توسط شرکتهای آمریکایی و ژاپنی در این نسل از تلفنهای همراه پدید آوردند. (قاضی زاده: ۸۴، ص ۳۱)

نسل سوم: این نسل بدنبال پشتیبانی از حجم بالای تبادل داده‌ای در شبکه بی سیم با حفظ کیفیت بالای صدا بود. هدف اصلی طراحان این نسل هماهنگی جهانی این تلفن و رسیدن به استاندارد جهانی برای آن بود. به نوعی که می‌توان نسل سوم را نوعی فناوری دانست که خدمات عرضه شده در اینترنت و تلفن همراه را با هم ادغام نمود. دسترسی به اینترنت و ارائه تمام خدمات اینترنتی بر روی تلفن های همراه از اهداف اصلی تلفنهای نسل سوم است. در ضمن سرعت انتقال اطلاعات در حالت ثابت به ۲ تا ۱۰ مگابایت در ثانیه می‌رسد که تفاوت فاحشی با نسلهای قبلی دارد. اولین شبکه تجاری از این نسل در اکتبر ۲۰۰۰ در کشور کره راه اندازی شد. (عاملی، ۱۳۸۷ ص ۲۶)

بخش دوم: موبایل و دانش آموزان

یافته‌های محققان پیرامون فراگیری موبایل نشان می‌دهد پذیرش موبایل روند روبه گسترشی را داشته است. البته شکل گیری آن به عنوان ابزاری ارتباطی ابتدا بیشتر در قشرهای بزرگسال و شاغل و متمکن مطرح بود ولی گذشت زمان و پیشرفت و تغییر در عملکرد فنی تکنولوژیک آن را به عنوان ابزاری مورد توجه قشر جوان و نوجوان تبدیل نمود. بدون تردید نسل جوان بیش از هر گروه دیگری امروزه شیفته و مجذوب موبایل و عملکردهای گوناگون آن گشته اند. پژوهش میدانی دکتر امانوئل کاستلز اسپانیایی در ۴۰ کشور جهان موید این واقعیت است که جوانان عمده ترین گروه اجتماعی هستند که از موبایل در سطح گسترده‌ای استفاده می‌کنند. (موسوی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۳) وی و گروه تحقیقاتی اش عقیده دارند که هم اکنون بزرگسالان و کهنسالان کمتر از جوانان و میانسالان تمایل به استفاده از موبایل دارند. (همان) در همین زمینه، نشریه انگلیسی گاردین در یکی از مطالعات خود که در سال ۲۰۰۳ صورت گرفته اعلام می‌دارد که در آن سال ۵۶ درصد کودکان ایتالیایی هرکدام یک موبایل برای خود داشته اند. در اگوست ۲۰۰۳ در انگلستان بیش از ۴۰۰ هزار کودک زیر ۱۰ سال دارای موبایل بوده اند و در ژاپن میزان دختران زیر ۱۸ سال که در همان سال از موبایل اختصاصی برخوردار بوده اند ۱۰۰ درصد اعلام گردیده است. (همان ۱۳۴) چیزی که در این بین حائز اهمیت است پیوند ارگانیک موبایل با فرهنگ و جهان بینی نسل جوان و با جامعه (جامعه پذیری) می‌باشد. شواهد

حاکمی از آن است که امروزه موبایل به عنوان عاملی مهم و تعیین کننده در زمینه پیوند یک جوان با جامعه در آمده است که کاستلز و دیگر نظریه پردازان جامعه فرا صنعتی از آن به عنوان «اهمیت ارتباط فرد با شبکه اجتماعی در عصر ارتباطات» به تفصیل از آن سخن گفته اند. (همان) این امر تا جایی امروزه اهمیت یافته که در برخی از جوامع پیشرفته و یا در حال توسعه موبایل به منزله عامل جامعه پذیری برای نوجوانان و جوانان در آمده است و آنها موبایل را به منظور حفظ و تقویت حلقه ارتباطی و شبکه اجتماعی خود مورد استفاده قرار می دهند. داشتن موبایل همچنین امروزه گامی مهم در مسیر مستقل شدن تدریجی کودک از والدین و معلمین تلقی شده زیرا موبایل وسیله‌ای است که کودک به کمک آن استقلال و هویت خاص خود را به منصفه ظهور میرساند، علائق خاص خود را بر روی آن پیاده می کند ترکیبات ظاهری موبایل، زنگها و قاب و... به آن رنگی شخصی و ویژه داده که برای جوان از درجه بالایی از اهمیت برخوردار است. (همان ۱۳۵) گسر در مقاله‌ای پیرامون موبایل و جوانان بر این نکته اذعان نموده که یک نوجوان با خریدن موبایل زودتر از موعد خود به یک روند خود-جامعه پذیری داخل گشته و نتایجی چون خودشکوفایی و توسعه خود را به همراه دارد لذا بر طبق این گفته گسر استفاده از موبایل در سنین کودکی و نوجوانی تا حدود زیادی جامعه پذیری از طریق موبایل را جانشین جامعه پذیری خانواده و مدرسه می نماید. کاستلز و همفکرانش نیز جوانان را در تمامی کشورها ترویج دهنده اصلی شیوه‌های ارتباطی نوین در پیکره جامعه تلقی می کنند (موسوی: ۱۳۸۹:۱۴۳) برخی آسیبهای موبایل برای جوانان: برخی محققان ورود تکنولوژیهای ارتباطی نوین از جمله موبایل را به عرصه حیات اجتماعی بشری، همراه با یکسری تهدیدات روانی اجتماعی دانسته اند که بیشتر در نسل جوان پذیرای این ابزارها قابل تامل می باشد. فونیسیم یا اعتیاد به تلفن همراه از جمله این موارد است که به توصیف حالات ذهنی و برانگیختگی روانی کاربرانی اشاره دارد که استفاده گسترده‌ای از تلفن همراه نموده و دراعتیاد ایشان به موبایل حالاتی همچون اعتیاد به سایر مواد اعتیاد زا دیده می شود (بدون موبایل هرگز!!) (منطقی ۱۳۸۷:۱۳۳)، نکاتی دیگری چون: ایجاد هویت کاذب در جوانانی که دچار نوعی سردرگمی هویتی بوده و از آرامش درونی لازم برخوردار نیستند و تلاش می کنند با توسل به

دستاویزهای بیرونی به نوعی برای خود هویتی که از آن بی بهره اند را تراشیده و خلق کنند. (همان) هیجان جویی مرضی، گسترش و تعمیق روابط خارج از عرف دختر و پسر، اغوای زنان در غیاب علائم غیر کلامی، و کاهش تدریجی شرم و حیای کاربران، کاهش تعاملهای اجتماعی، تغییر در ارزشهای اجتماعی و کاهش امنیت اجتماعی و... نیز از جمله موارد دیگری هستند که دکتر منطقی استاد دانشگاه تربیت معلم و در رابطه با تهدیدات اجتماعی موبایل در دنیای امروز برای جوانان و نوجوانان از آنها یاد کرده است که البته شرح کاملتری از پژوهش ایشان در بخش مربوط به پیشینه تجربی خواهد آمد.

بخش سوم: حقوق و جامعه پذیری

جامعه پذیری یک فرایند مادام‌العمر است که طی آن هر فرد، هنجارها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری را که جامعه وی بر آنها تأکید دارد، بصورت جزئی از وجود خویش در می‌آورد به عبارتی جامعه‌پذیری فرایندی است که به دنبال آموزشهای عام (اعم از آموزش رسمی و غیر رسمی) به افراد بدست آمده و موجب حلول قوانین رفتاری هر جامعه و همه‌ی انتظارات فرهنگی آن، در کل شخصیت روانی افراد، با توجه به مشارکت آنها در نظام آن اجتماع، می‌گردد و این قوانین و انتظارات را بر شخصیت فرد حکم می‌کند. (دفلور، ملوین و دنیس، اورت دی؛ ۱۳۸۳، ص ۶۳۷)

فرهنگ علوم اجتماعی، اجتماعی شدن یا SOCIALIZATION را چنین توصیف می‌کند الف) مراد از اجتماعی شدن در روانشناسی اجتماعی فرایندی است که به وسیله‌ی آن یک فرد می‌آموزد که از طریق فراگرفتن رفتاری اجتماعی که مورد تایید گروه باشد، خود را با آن گروه انطباق دهد ب) اصطلاح اجتماعی شدن را در اصل روانشناسان اجتماعی، جامعه‌شناسان و پژوهندگان رشد کودک به کار برده اند: همه‌ی کودکانی که استعدادهایشان... زیاد محدود نیست در برهم کنش اجتماعی شرکت می‌جویند و سرانجام الگوهای رفتار اجتماعی را کسب می‌کنند. فرایندی که به اجتماعی شدن معروف است در اصل فرایندی مربوط به یادگیری است. (نیوکم ۹۸). ج) تفاوت‌های موجود در مفهوم اصطلاح اجتماعی شدن تا حد سازوکارهایی که اجتماعی شدن از طریق آنها حاصل می‌شود نیز گسترده است. در تحقیق

مشروحي در اين زمينه، رضوان محرابي جامعه پذيري را اينگونه تعريف نموده است که جامعه پذيري روندی است که فرد را برای زندگی گروهی آماده می‌کند و نقش اساسی در شکل‌گیری رفتار فرد دارد. جامعه‌پذیری فرایند مستمر یادگیری است که به موجب آن افراد ضمن آشنا شدن با نظام از طریق کسب اطلاعات و تجربیات به وظایف حقوق و نقشهای خویش خصوصاً وظایف سیاسی در جامعه پی می‌برد. در این فرایند ارزش‌ها، ایستارها، نهادها، اعتقادات و آداب و رسوم از جمله از نسلی به نسل دیگر انتقال مییابد و امکان دارد در جریان این انتقال تغییرات و یا تعدیل‌هایی نیز صورت پذیرد» (محرابی ۸۶)

بند اول: تفاوت تربیت با جامعه‌پذیری

عده‌ای جامعه‌پذیری را همان تربیت دانسته‌اند ولی در این دو مقوله وجوه افتراقی وجود دارد که در زیر بیان می‌شود:

۱- تربیت یک فرصت است؛ در صورتی که جامعه‌پذیری یک فرایند دائمی است که در اثر کنش متقابل اجتماعی ایجاد می‌شود (همین که فرد در جامعه زندگی کند در این فرایند قرار می‌گیرد)

۲- شاخص‌های تربیت فردی، یک‌طرفه و نوعی ادای دین به جامعه است؛ اما جامعه‌پذیری انتقال جامعه به درون فرد است.

۳- تربیت برای یک زندگی بهتر و با رفاه بیشتر یک مقدمه است؛ اما جامعه‌پذیری متن زندگی است که از ابتدای تولد شروع و تا پایان عمر با فرد ادامه می‌یابد.

۴- تقریباً شاخص‌های تربیت در تمام جوامع یکسان‌اند، به همین علت، می‌توان آموزش را با شاخص‌هایی که به اجماع رسیده‌اند، ارزیابی کرد. اما جامعه‌پذیری به دلیل تفاوت جوامع ممکن است متفاوت باشد.

۵- تربیت در انواع تربیت بدنی، تربیت دینی، تربیت استثنائی و... ملاحظه می‌شود اما جامعه‌پذیری دو شکل رسمی و غیررسمی دارد. (ریاضی، ۸۹)

بنابراین جامعه‌پذیری یک فرایند بوده و این فرایند، اجتماعی است؛ یعنی در برقراری کنش متقابل با دیگران به ظهور می‌رسد. در عین حال، مستمر و دائمی است، به گونه‌ای که از ابتدای

تولد تا پایان عمر ادامه دارد. طی این فرایند، مهارت های زندگی و حرفه ای درونی می شوند و افراد طی آن، برای عملکرد به عنوان یک فرد اجتماعی، آماده و با ارزش ها و الگوها و شاخص های فرهنگی آشنا می شوند.

بند دوم: حقوق و جامعه پذیری در مفهوم جدید

امروزه آنچه که در ادبیات جامعه شناسی به عنوان اخلاق اجتماعی شناخته می شود و بیشتر مبتنی بر مباحث روانشناسی می باشد، همان چیزی است که تحت عنوان جامعه پذیری (SOCIALIZATION) ارزش ها و هنجارها و یگانگی فرد با فرهنگ و جامعه از آن بحث می شود و به طور خلاصه در بحث از فرهنگ، اخلاق اجتماعی به عنوان ارزشها و قواعد رفتار در جامعه، موضوع بررسی قرار می گیرد. لذا این قواعد رفتار، مجموعه ای از عقاید، ارزشها و هنجارهایی هستند که نسبت به فرد، اموری بی رونی و مستقل تلقی می شوند و در جریان جامعه پذیری برای او درونی می شوند و به صورت جزئی از شخصیت او در می آیند (رجب زاده، ۱۳۷۶: ۶۴) و در نهایت رفتار فرد را در جامعه تعیین می کنند و به عنوان اخلاق اجتماعی محسوب می شوند. بر اساس تعریف فوق اخلاق اجتماعی جوانان، حوزه ای از فرهنگ عمومی یک جامعه را تشکیل می دهد که شامل عقاید، ارزشها و هنجارهای اجتماعی قشر جوان جامعه می گردد. فرهنگ عمومی خود عبارت است از مجموعه پاسخ هایی که هر جامعه برای مسائل گوناگونش پی دا می کند که مبتنی بر تجربه نسل های گذشته است و یا از طریق دستیابی به توانایی ها و ذخیره های تازه، حاصل آمده است (اسدی، ۱۳۷۶: ۱۶) در تعریفی ساده تر، فرهنگ عمومی عبارت است از اندیشه ها و معرفت مشترک ی ک جامعه که تحت تاثیر عناصر مختلف نظری جهان بی نی، ارزشها، گرایشها، کنشها، نمادها، و تکنولوژی واقع می گردد (افروغ، ۱۳۷۷: ۴) اخلاق اجتماعی به عنوان بخشی از فرهنگ عمومی از طریق سه مکانیزم: یادگیری، فرهنگ پذیری و جامعه پذیری انتقال می یابد. در نتیجه انتقال اخلاق اجتماعی و فرهنگ عمومی، الگوهای رفتاری که ممکن است ادراکی، احساسی و عملی (رفتاری) باشند، در ذهن افراد حک می شوند.

بخش چهارم: عوامل و کارگزاران جامعه پذیری دانش آموزان

فرایند انتقال اخلاق اجتماعی، در برگیرنده تاثیرات متفاوتی است که در طول زندگی بر فرد وارد می‌شود. مهمترین این تاثیرات عبارت است از تاثیر عوامل (کارگزاران) جامعه پذیری یعنی افراد، گروهها و نهادهای مهمی که وضعیت‌های ساختی را فراهم می‌سازند تا فرایند جامعه پذیری در درون آنها رخ دهد. در جهان امروز چهار عامل جامعه پذیری از اهمیت بالایی برخوردارند و بطور مداوم و موثر بر کسی تاثیر می‌گذارند. این چهار عامل عبارتند از: خانواده، مدرسه، گروه همسالان و وسایل ارتباط جمعی.

خانواده: خانواده بدون شک یکی از مهمترین عوامل جامعه پذیری در همه جوامع است و خانواده مسوولیت اصلی اجتماعی کردن کودکان را در سال‌های اولیه و حیاتی زندگی به عهده دارد. خانواده جایی است که کودکان نخستین وابستگیهای عاطفی نزدیک و صمیمی خود را در آن برقرار می‌سازند، زبان یاد می‌گیرند و ارزشها و هنجارهای فرهنگی را درونی می‌کنند. کودکان تجربه اجتماعی محدودی نسبت به خانوادهها دارند و بنابراین فاقد هر گونه مبنایی برای مقایسه و ارزشیابی چیزهایی که از اعضای خانواده آموخته اند، هستند. بخش مهمی از جامعه پذیری که در خانواده رخ می‌دهد عمدی و آگاهانه است ولی بخش زیادی از آن نیز کاملاً ناخودآگاه است. برای مثال والدینی که با کودکانشان بد رفتاری می‌کنند غالباً والدین خودشان با آنان بد رفتاری کرده اند و احتمال بیشتری دارد که کودکان اینها نیز والدین بد رفتار و پر خاشگری شوند. به همین ترتیب می‌توان گفت که ویژگیهای شخصیتی از نسلی به نسل بعدی منتقل می‌شود. از لحظه تولد، کودکان در هر یک از خرده فرهنگهای نژاد، طبقه، قومیت، مذهب و منطقه از پایگاه محولی (غیراقتصادی) برخوردارند. برای مثال، ارزشها و انتظاراتی که کودکان می‌آموزند تا حد بسیار زیادی به طبقه اجتماعی والدینشان بستگی دارد. مطالعات ملوین کوهن نشان می‌دهد که والدین طبقه کارگر و طبقه متوسط، کودکان خود را به شیوه‌های مختلف تربیت می‌کنند. والدین طبقه کارگر ارزش بیشتری به همنوایی با معیارهای سنتی رفتار می‌دهند در حالی که والدین طبقه متوسط ارزش بیشتری به کنجکاوی یا ابتکار می‌دهند. بدین ترتیب، والدین کودکان خود را برای آن قسمت از دنیای اجتماعی که بهتر

می شناسند، اجتماعی می کنند و با انجام این امر آنان یک نظام طبقه ای را در نسل بعد به وجود می آورند. تا حدودی به علت این چنین تاثیراتی است که زمینه طبقه اجتماعی کودک عامل خوبی برای پیشگویی هوش، موفقیت های تحصیلی و پایگاه اجتماعی طبقاتی آن کودک است. مدرسه: استمرار و بقای هر جامعه ای مستلزم آن است که مجموع باورها، ارزشها، رفتارها، گرایشها، دانش ها و مهارت های آن به نسل های جدید منتقل شود. ساز و کار MECHANISM یا وسیله این انتقال، آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش به معنی اعم، مترادف با جامعه پذیری است، یعنی، فراگردی که افراد از طریق آن به یادگیری نقشها، قواعد، روابط و بطور کلی، فرهنگ جامعه خود می پردازند. (علاقه بند ۲۶) به معنی اخص، جامعه پذیری، فراگردی است که افراد به واسطه آن در وضعیت های اجتماعی سازمان یافته، در معرض آموزش منظم دانشها، مهارتها، رفتارها و گرایش های معین قرار می گیرند. در هر جامعه، این وضعیتها در قالب نظام آموزش و پرورش و سازمان های رسمی آن تشکیل می یابند. مدرسه عامل یا کارگزاری است که رسماً توسط جامعه موظف به اجتماعی کردن نوجوانان در زمینه مهارتها و ارزش های خاصی شده است. در مجموعه مدرسه، نوجوان برای اولین بار تحت نظارت مستقیم کسانی که خویشاوند او نیستند، قرار می گیرد. مشارکت در زندگی مدرسه همچنین وابستگی و اتکای کودکان را به خانواده کاهش می دهد و ارتباطات جدیدی با جامعه بزرگتر که ورای خانواده قرار دارد، ایجاد می کند. اولین وظیفه مدارس عبارت است از اجتماعی کردن کودکان در زمینه مهارت های شناختی از قبیل خواندن یا حساب کردن و فراهم کردن معلومات درباره موضوعات گوناگون که ممکن است در خانواده فراهم نباشد. همچنین مدارس در هر جامعه، ارزشها را به صورت درست به کودکان تلقین می کنند. مدرسه به عنوان عامل اجتماعی ساختن، بر اساس قواعدی که انتظار می رود هر فرد از آن تبعیت کند سازمان یافته است و در حالی که خانواده در جوامع ابتدایی مسوول مستقیم اجتماعی ساختن نخستین دوران کودکی است، در جوامع پیشرفته این مسوولیت به سازمان های رسمی مانند مدرسه واگذار شده است. در جوامع جدید، مفهوم آموزش و پرورش و کارکردهای آن دستخوش تغییر و دگرگونی شده است. نیازهای گوناگون زندگی، انواع نوین آموزش و پرورش را طلب می کنند. شیوه های

زندگی از نسلی به نسلی، تجدید شکل پیدا می‌کنند. ولی این تجدید شکل، همواره با تجارب بیشتر و انگاره‌های پیچیده‌تری همراه است. در جامعه پیچیده متمدن، با گسترش شهرنشینی، توسعه صنعتی، دگرگون شدن ساختارها و کارکردهای سیاسی و اقتصادی، عواملی مثل خانواده که در گذشته بار تعهدات تربیتی را عهده‌دار بودند، دیگر اقتدار و نفوذ کافی برای ایفای وظایف پیچیده آموزشی و پرورشی ندارند. با پیچیده‌تر شدن جامعه، آموزش و پرورش بطور روزافزونی، به صورت ابزار بازسازی فرد و جامعه در می‌آید. در نتیجه، شهروندانی که خواستار اشتغال به کار و خدمت در جامعه و خواهان برخورداری از مزایای زندگی اجتماعی می‌باشند، مجبورند سالیان نسبتاً قابل ملاحظه‌ای از عمر خود را در مراکز آموزش و پرورش رسمی بگذرانند.

گروه همسالان: همچنان که کودکان بزرگتر می‌شوند، وقت بیشتر و بیشتری را در معاشرت با همسالان خود می‌گذرانند. کسانی که از لحاظ سنی و خصوصیات اجتماعی دیگر با آنها کاملاً برابر هستند، همزمان با افزایش تاثیر گروه همسالان، تاثیر والدین کاهش می‌یابد. کاهش تاثیر والدین به ویژه در جوامع نوین صنعتی یعنی جایی که بسیاری از والدین دور از خانه کار می‌کنند بیشتر است. تاثیر گروه همسالان هنگام بلوغ به اوج خود می‌رسد یعنی زمانی که جوانان آماده تشکیل یک خرده فرهنگی متمایز از سلیقه‌ها، فعالیتهای اوقات فراغت، پوشش، زبان مخصوص نمادها، ارزش‌ها و قهرمانیهای خاص خود است. در این هنگام کسب محبوبیت و مورد پسند واقع شدن یکی از اهداف مهم نوجوانان می‌شود و پذیرش ارزشهای گروه همسالان به طور وسیعی به پذیرش فرد در آن گروه کمک می‌کند. اگرچه گروه همسالان تاثیر زیادتری در زمینه سبک‌های آنی و زودگذر زندگی مانند علاقه‌های موسیقی یا فعالیتهای اوقات فراغت دارد، لیکن ارزشهای یادگرفته شده در خانواده در زمینه مذهب، سیاست، آموزش و اهداف شغلی معمولاً تاثیر دراز مدت تری دارند.

وسائل ارتباط جمعی: وسایل ارتباط جمعی، وسایل گوناگون ارتباطی هستند که بخش وسیعی از مخاطبین را بدون هیچ گونه ارتباط شخصی بین فرستندگان و گیرندگان پیامها، فرا می‌گیرد از قبیل روزنامه‌ها، مجلات، کتابها، تلویزیون، رادیو، سینما، ویدئو، ماهواره و انواع سی دی‌ها

و موبایل و اینترنت و....

بخش پنجم: جامعه پذیری مدرسه ای

یکی از جنبه های اصلی جامعه پذیری را می توان در قالب جامعه پذیری مدرسه ای قرار داد بدین صورت که یکی از کارکردهای عمومی آموزش و پرورش، اجتماعی کردن افراد جامعه است و در این رابطه هدف جامعه پذیری، آموزش قواعد و نظامات اساسی، از آداب و عادات و رفتار روزمره گرفته تا روشهای علمی، به افراد است. (علاقه بند، ص ۹۸) یعنی در واقع استمرار و بقای هر جامعه ای مستلزم آن است که مجموع باورها، ارزشها، رفتارها، گرایشها، دانش ها و مهارتهای آن به نسلهای جدید منتقل شود. ساز و کار یا MECHANISM این انتقال در عصر جدید، آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش به معنی اعم، مترادف با جامعه پذیری است، یعنی، فراگردی که افراد از طریق آن به یادگیری نقشها، قواعد، روابط و بطور کلی، فرهنگ جامعه خود می پردازند و به معنی اخص، فراگردی است که افراد به واسطه آن در وضعیتهای اجتماعی سازمان یافته، در معرض آموزش منظم دانشها، مهارتها، رفتارها و گرایشهای معین قرار می گیرند. (همان) در هر جامعه، این وضعیتهای در قالب نظام آموزش و پرورش و سازمانهای رسمی آن تشکیل می یابند. اینگونه به نظر می رسد که در جامعه پیچیده و متمدن امروزی، با گسترش شهرنشینی، توسعه صنعتی، دگرگون شدن ساختارها و کارکردهای سیاسی و اقتصادی، عواملی مثل خانواده که در گذشته بار تعهدات تربیتی را عهده دار بودند، دیگر اقتدار و نفوذ کافی برای ایفای وظایف پیچیده آموزشی و پرورشی ندارند. با پیچیده تر شدن جامعه، آموزش و پرورش بطور روزافزونی، به صورت ابزار بازسازی فرد و جامعه در می آید. در نتیجه، شهروندانی که خواستار اشتغال به کار و خدمت در جامعه و خواهان برخورداری از مزایای زندگی اجتماعی می باشند، مجبورند سالیان نسبتاً قابل ملاحظه ای از عمر خود را در مراکز آموزش و پرورش رسمی بگذرانند، با هنجارها و ارزشهای اساسی جامعه خود که در قالب برنامه های اجرایی مدارس ارائه می شود آشنا گشته و ضمن درونی نمودن آنها با محیط زندگی خود سازگار گردند. عموماً این کارکرد مدرسه در قالب دو نوع جامعه پذیری صورت می پذیرد: الف) جامعه پذیری پایه، که شامل آموزش قواعد و

نظامات اساسی جامعه، مقررات ساده و ارزشها و هنجارهای عام می‌باشد ب) جامعه پذیری سیاسی که در آن فرد نسبت به جهان سیاسی خود آگاهی یافته و نحوه فهم حوادث سیاسی و نحوه قضاوت در مورد آنها را کسب می‌کند. فرد فرهنگ سیاسی مسلط بر جامعه خود را در خود درونی می‌کند. (هویت سیاسی) (شارع پور ۸۷ ص ۱۶۸)

بخش ششم: جامعه پذیری مدرسه ای: با تاکید بر نظام آموزش ایران

یکی از اهداف اصلی نظام رسمی آموزش و پرورش در ایران، اجتماعی کردن صحیح کودکان و نوجوانان است، زیرا رشد و تحول سریع در سایه اجتماعی شدن، سازگاری و برقراری ارتباط مطلوب با دیگران میسر است. از بین تمامی سازمانهایی که نقش کلیدی در اجتماعی کردن افراد دارند مدرسه اولین جایگاه رسمی تجربه جامعه پذیری کودکان است و در این زمینه نقش تعیین کننده دارد. براین اساس هرگونه تلاش در خصوص ایجاد و پرورش مهارتهای اجتماعی چه در برنامه درسی رسمی و یا در فعالیتهای فوق برنامه نمی‌تواند بدون ملاحظه روند رشد دانش آموز باشد به ویژه آنکه سالهای حساس رشد اجتماعی مقارن با سنین مدرسه، اعم از دوره ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان است. بنابراین مدرسه موظف است فرصتهای مناسب برای رشد اجتماعی و افزایش مهارتهای اجتماعی دانش آموزان فراهم نماید. در غیر اینصورت عدم کسب مهارتهای اجتماعی لازم (عدم جامعه پذیری مناسب) منجر به بروز مشکلات متنوع رفتاری خواهد شد. (فاتحی زاده: ۱۶۵: ۸۴)

بند اول: اهداف جامعه پذیری مدرسه ای

جامعه پذیری به عنوان کارکرد اصلی در برنامه کاری یک مدرسه در راستای تحقق اهداف زیر طراحی و پیش بینی شده است که عوامل اجرایی آن در مدارس (اعم از مدیر، معاونین، مربیان و معلمان و دانش آموزان) با طراحی برنامه‌های کاری سالانه و... خود در جهت رسیدن به این اهداف بایستی گام بردارند:

الف) آموزش قواعد و نظامات اساسی اعم از آداب و عادات و رفتار روزمره تا روش های علمی به افراد

ب) ایجاد امید و آرزو و انگیزه لازم برای تحقق اهداف آموزشی و پرورشی در افراد به شیوه‌ای

که آنها با میل و رغبت قواعد و نظم و انضباط را پذیرا باشند

ج) ایجاد هویت لازم در افراد از طریق برآوردن خواستها، آرزوها و امیدها و سودهای فردی

د) آموزش نقشهای اجتماعی و نگرشها، انتظارات و گرایشهای وابسته به آن

ه) آموختن مهارتهای لازم اعم از خواندن و نوشتن و حساب کردن تا مهارتهای اساسی

زندگی (علاقه بند: ۱۳۷۰، ۱۰۸ تا ۱۱۰)

بند دوم: ابعاد جامعه پذیری مدرسه‌ای

واقعیت غیرقابل انکار این است که مدرسه از اساسی ترین عناصر رشد اجتماعی است و اولیاء مدرسه باید از ارتباط بین جامعه پذیری مدرسه‌ای در قالب مهارتهای اجتماعی و پیشرفت تحصیلی با تربیت پنهان که همه جا وجود دارد و باعث یادگیری رفتارهای نامطلوب می‌شود آگاه باشند. چرا که امروزه داشتن مهارتهای اجتماعی رکن لازم و اساسی زندگی اجتماعی بوده و فقدان آن می‌تواند آسیبهای فردی و اجتماعی فراوانی را برجای گذارد لذا مدارس نقش بسیار مهمی در این زمینه می‌توانند ایفا نمایند. (مجله روانشناسی ۳۴:ص ۱۶۸) بنابراین امروزه داشتن مهارتهای اجتماعی و جامعه پذیر کردن صحیح افراد مبنای لازم و ضروری زندگی اجتماعی بوده و فقدان آن باعث آسیبهای فردی و اجتماعی فراوانی می‌گردد. در این راستا مدارس به عنوان یکی از ارکان اصلی و اساسی اجتماعی نمودن دانش‌آموزان در خصوص این مهم وظایف متعددی را بر عهده داشته که در دوره دبیرستان که خروجی آموزش و پرورش در طول آن صورت می‌گیرد نمود بیشتری پیدا می‌کند. بنابراین برای جامعه پذیری مدرسه‌ای، براساس اهداف مطرح شده در آیین نامه وزارت آموزش و پرورش ایران مصوب شورای عالی آموزش و پرورش و برطبق نظرات پژوهشگران مختلف ابعاد زیر قابل بررسی و تامل می‌باشند:

۱- مهارتهای ارتباطی (مهارتهای کلامی، غیرکلامی، فرازبانی، برقراری ارتباط و....)

۲- مهارتهای جرئت ورزی (توان «نه» گفتن، بیان نیازهای خود، شناسایی حقوق خود و دیگران، انتقاد و انتقاد پذیری، بیان احساسات و عقاید خود و....)

۳- مهارتهای مربوط به پرورش حس همکاری، مسئولیت پذیری و نועدوستی (همکاری در مدرسه، خانه و اجتماع)

- ۴- مهارت‌های خودگردانی (مراقبت از خود هویت یابی، اداره امور مالی خویش و...)
- ۵- مهارت‌های درک اجتماعی و شناسایی ارزشهای جامعه
- ۶- مهارت‌های مربوط به آشنایی با قوانین اجتماعی و استفاده از سرویس‌های اجتماعی
- ۷- مهارت‌های شغل یابی و حفظ شغل
- ۸- مهارت‌های پرکردن اوقات فراغت
- ۹- مهارت‌های مقابله‌ای (جلب حمایت دیگران، ورزش و تربیت بدنی و تلاش در جهت استقلال مادی و معنوی آشنایی با روش حل مسئله و اصلاح باورهای غلط و...)

نتیجه گیری

در جمع بندی و نتیجه گیری پایانی این مقاله علمی به نتایج تحلیلی که می‌توان از این پژوهش دریافت نمود اشاراتی خواهیم داشت.

۱- می‌توان گفت که وجود ظرفیت‌ها و کارکردهای ویژه‌ای که در تکنولوژیهای نوین ارتباطی از جمله موبایل وجود دارد و در بخش دوم این تحقیق به تفصیل پیرامون آنها صحبت شده است، از جمله ظرفیت‌ها و کارکردهایی چون انتخابی کردن ارتباطات و برنامه ریزی نمودن برای ارتباطات، مولتی مدیا بودن آن و... جامعه را به سمت کانونی بودن فرد و خواسته های او سوق داده است.

۲- اگر تعریفی گیندزی از ساختار را بپذیریم مبنی بر اینکه ساختار به منزله منابع و قواعد رفتارهای انسان، به طوریکه منابع امکان بروز برخی اعمال و قواعد به معنای محدود کردن و ممانعت از برخی رفتارها رافراهم می‌سازند (موسوی: ۱۳۸۹، ۸۹) پس مدرسه نیز بر حسب این تعریف ساختاری اجتماعی است. نتایج و یافته‌های این پژوهش همسو با سایر تحقیقاتی که در این خصوص صورت پذیرفته این مطلب می‌باشند که در دوران جدید و در شیوه‌های جدید ارتباطات تحولی عمیق صورت گرفته مبنی بر این که ارتباطات از حالت مکان محوری آن (تلفن ثابت) خارج و به سوی ارتباطات فارغ از مکان یعنی فرد محوربودن، سوق داده شده است که بار اصلی این امر (بی مکان شدن ارتباطات) را در سال‌های اخیر موبایل به دلیل جذابیت و کارایی روزافزونیش بردوش کشیده است.

منابع و مآخذ

الف) کتب

- ۱- استوور، ویلیام جیمز (۱۳۷۵) فنآوری اطلاعات در جهان سوم. مترجمان رضا نجف بیگی، اصغر صراف‌زاده. تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۲- استیون، وایت (۱۳۸۰). خرد، عدالت و نوگرایی. ترجمه محمد اکبری. تهران: قطره.
- ۳- اسلوین، ج (۱۳۸۰) اینترنت و جامعه، ترجمه عباس گیلوریو و علی رادباوه، تهران، نشر کتابدار
- ۴- اولسون، دی‌وی‌دی (۱۳۷۷). رسانه‌ها و نمادها: صورت‌های بیان، ارتباط و آموزش. ترجمه محبوبه مهاجر. تهران: سروش.
- ۵- بل‌یک، هارولدسن، ادوین (۱۳۷۸). طبقه‌بندی مفاهیم در ارتباطات. ترجمه مسعود اوحدی. تهران: انتشارات سروش.
- ۶- ساروخانی، باقر (۱۳۷۸) جامعه‌شناسی ارتباطات، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- ۷- شارع پور (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران، انتشارات دانشگاه
- ۸- علاقه بند، جعفر، (۱۳۷۸) جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران، نشر نی
- ۹- معتمدنژاد، کاظم (۱۳۸۴). جامعه‌اطلاعاتی اندیشه‌های بنیادی، دیدگاه‌های انتقادی و چشم‌اندازهای جهانی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی. مرکز پژوهش‌های ارتباطات.
- ۱۰- محسنی، منوچهر، (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی جامعه‌اطلاعاتی، تهران، دریدا
- ۱۱- منطقی، مرتضی (۱۳۸۵) آسیب‌شناسی تلفن همراه، راهنمای والدین، تهران، فرهنگ دانش

- ۱۲- وبستر، فرانک (۱۳۸۳) نظریه‌های جامعه‌اطلاعاتی، ترجمه اسماعیل قدیمی، تهران، قصیده سرا، چاپ اول

ب) مقالات

- ۱- ایمانلو، منوچهر (۱۳۸۴) پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان بررسی عوامل موثر بر جامعه پذیری شهروندی، استاد راهنما دکتر سعید ذکایی، دانشگاه علامه طباطبایی

۲- حسنی، محمد حسین (۱۳۸۲) پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان بررسی رابطه بین استفاده از اینترنت و گرایش دانشجویان به ارزشهای سیاسی، استاد راهنما دکتر محمد عبدالهی، دانشگاه علامه طباطبایی

۳- دوران، بهزاد (۱۳۸۳) تاثیر اینترنت بر هویت همالان، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۵ (سال دوم) از صفحات ۲۳ الی ۳۲

۴- زارعی، عادل (۱۳۸۷) پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان رابطه بین بازیهای رایانه‌ای با مهارت های اجتماعی دانش‌آموزان شهر پارسیان، استاد راهنما دکتر مسعود غلامعلی لواسانی، دانشگاه تهران





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی